

Medical Ethics and Law  
Research Center

# Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2026; 18: e5

Shahid Beheshti  
University of Medical Sciences

## The Outbreak of the Justinianic Plague in the Byzantine Empire (540-750 CE)

Seyyed Rouhollah Nematollahi<sup>1</sup>, Seyyed Alireza Golshani<sup>2</sup>, Hosein Hozhabrian<sup>3\*</sup>

1. Department of History, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.
2. Medical Philosophy and History Research Center, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.
3. Department of History, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** The Justinianic Plague (541-542 CE) was one of the deadliest pandemics in human history, sweeping across the territories of the Byzantine Empire. This study aims to conduct a comprehensive examination of the multiple dimensions of this health crisis including its origins and transmission routes, as well as its demographic, economic and social impacts, particularly on the Byzantine Empire alongside governmental responses and its long-term historical consequences.

**Methods:** Employing a historical-analytical approach, this research integrates chronological, environmental, and social-historical methodologies of disease. Data were systematically gathered and analyzed through structured note-taking (fishing method) from primary historical sources and interdisciplinary findings-including paleogenetic, archaeological and geological evidence.

**Ethical Considerations:** All ethical research principles including academic integrity, accurate and original citation and faithful handling of sources and data were strictly observed.

**Results:** The findings indicate that the Justinianic Plague likely originated in the city of Pelusium in Egypt and spread via commercial and military networks to Constantinople and subsequently throughout the Mediterranean, Anatolia, Mesopotamia and Syria. The causative agent was the bacterium *Yersinia pestis*, which recurred episodically until approximately 750 CE, claiming the lives of around 50 million people (equivalent to 26% of the world's population at the time).<sup>3</sup>. **Determination of Temperament:** Individuals with a warm and dry temperament may be harmed by performing certain exercises.

**Conclusion:** The Justinian Plague was not merely a public health catastrophe, but a pivotal moment in the civilizational history of the early Middle Ages. This pandemic transformed the political, economic and social structures of the ancient world, played a key role in weakening the Byzantine Empire and had a profound and lasting impact on the course of historical developments, effectively heralding Europe's entry into the Middle Ages.

**Keywords:** Byzantium; Justinianic Plague; infectious disease; social history of disease

**Corresponding Author:** Hosein Hozhabrian; **Email:** [H.hozhabrian@pnu.ac.ir](mailto:H.hozhabrian@pnu.ac.ir)


**Received:** October 5, 2025; **Accepted:** January 3, 2026; **Published Online:** June 30, 2026

**Please cite this article as:**

Nematollahi SR, Golshani SA, Hozhabrian H. The Outbreak of the Justinianic Plague in the Byzantine Empire (540-750 CE). *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2026; 18: e5.



## شیوع بیماری همه‌گیر طاعون ژوستینیان در امپراتوری بیزانس

سید روح‌الله نعمت‌اللهی<sup>۱</sup>، سید علیرضا گلشنی<sup>۲</sup>، حسین هژبریان<sup>۳\*</sup> 

۱. گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. مرکز تحقیقات فلسفه و تاریخ پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

۳. گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** طاعون ژوستینیان (۵۴۱-۵۴۲ م.) یکی از مرگبارترین همه‌گیری‌های تاریخ بشر بود که قلمرو امپراتوری بیزانس را درنوردید. این پژوهش با هدف بررسی جامع ابعاد مختلف این بحران بهداشتی، از جمله منشأ و مسیر گسترش، تأثیرات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی، به ویژه بر امپراتوری بیزانس و همچنین واکنش‌های حکومتی و پیامدهای بلندمدت آن بر تحولات تاریخی انجام شد.

**روش:** مطالعه حاضر با رویکرد تاریخی - تحلیلی و تلفیق روش‌های کرونولوژی، تاریخ محیطی و تاریخ اجتماعی بیماری انجام شده است. داده‌ها از منابع دست اول تاریخی و یافته‌های بین‌رشته‌ای ژنتیک، باستان‌شناسی و زمین‌شناسی، با روش فیش‌برداری نظام‌مند، گردآوری و تحلیل شده‌اند.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش، اصول اخلاقی پژوهش از جمله اصالت در استناد، صداقت علمی و امانتداری در استفاده از منابع و داده‌ها به طور کامل رعایت شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهد که طاعون ژوستینیان احتمالاً از شهر پلوزیوم در مصر سرچشمه گرفت و از طریق شبکه‌های تجاری و نظامی به قسطنطنیه و سپس به سراسر مدیترانه، آناتولی، بین‌النهرین و سوریه گسترش یافت. عامل بیماری، باکتری *Yersinia pestis* بود که تا حدود سال ۷۵۰ میلادی به صورت دوره‌ای شیوع یافت و حدود ۵۰ میلیون نفر (معادل ۲۶٪ جمعیت جهان در آن زمان) را به کام مرگ کشید.

**نتیجه‌گیری:** طاعون ژوستینیان تنها یک فاجعه بهداشتی نبود، بلکه نقطه عطفی در تاریخ تمدنی اوایل قرون وسطی محسوب می‌شود. این همه‌گیری ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان باستان را دگرگون کرد، نقشی کلیدی در تضعیف امپراتوری بیزانس ایفا نمود و تأثیری عمیق و ماندگار بر مسیر تحولات تاریخی و به نوعی ورود به قرون وسطی در اروپا را داشت.

**واژگان کلیدی:** بیزانس؛ طاعون ژوستینیان؛ بیماری واگیردار؛ تاریخ اجتماعی بیماری

نویسنده مسئول: حسین هژبریان؛ پست الکترونیک: [H.hozhabrian@pnu.ac.ir](mailto:H.hozhabrian@pnu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Nematollahi SR, Golshani SA, Hozhabrian H. The Outbreak of the Justinianic Plague in the Byzantine Empire (540-750 CE). *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., *Medical History*. 2026; 18: e5.

## مقدمه

جغرافیا در مطالعات تاریخی نه تنها چارچوبی فضایی برای وقایع، بلکه عاملی ساختاری محسوب می‌شود که در تعامل پویا با اقلیم، منابع طبیعی، شبکه‌های ارتباطی و سلسله مراتب قدرت، هم در شکل‌گیری جوامع و هم در نحوه واکنش آن‌ها به بحران‌های طبیعی (مانند همه‌گیری‌ها و فوران‌های آتشفشانی) تأثیرگذار است. این دیدگاه ریشه در نظریه «افق طولانی» فرنان برودل (Fernand Braudel) (۱۹۸۵-۱۹۰۲ م.)، تاریخ‌نگار مکتب آنال، دارد و به ویژه در اثر مهمش «مدیترانه و جهان مدیترانه‌ای در عصر فیلیپ دوم»، مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس، متغیر جغرافیایی نه تنها مکان وقایع را تعیین می‌کند، بلکه به عنوان یکی از عوامل بنیادین، تحلیل تاریخی را عمق می‌بخشد (۱).

پژوهشگران تاریخ، جغرافیا و زمین‌شناسی سال ۵۳۶ میلادی را به عنوان بدترین سال زندگی در تاریخ بشر می‌دانند، زمانی که با تاریکی آسمان، سرمای شدید و قحطی گسترده همراه شد (۲). آنچنانکه میکائیل سریانی (Michael the Syrian) (۱۱۹۹-۱۱۲۶ م.)، وقایع‌نگار کلیسای ارتدکس سریانی، نیز در کتابش از این واقعه یاد کرده است: «در سال ۵۳۷ میلادی رویدادی رخ داد که باورکردنی نیست. اگر از نوشته‌های مختلف درباره آن نمی‌دانستیم، خودم آن را در کتاب نمی‌گنجاندم. خورشید به مدت ۱۸ ماه در کسوف بود و به مدت سه ساعت در صبح نور می‌داد، اما نوری که نه شبیه روز بود و نه شب. در طول آن سال، میوه‌ها به نقطه بلوغ نرسیدند و تمام زمین گویی به چیزی نیمه‌زنده یا مانند کسی که از یک بیماری طولانی رنج می‌برد، تبدیل شد.» (۳).

برای اثبات این ادعا، مطالعات زمین‌شناسی هسته‌های یخی ایسلند در سالهای اخیر (به ویژه از سال ۲۰۱۶-۲۰۱۵ میلادی) لایه ضخیم سولفاتی را شناسایی کردند. تحلیل خاکستر مخفی (cryptotephra) در این لایه نشان داد ترکیب ژئوشیمیایی آن با آتشفشان‌های جنوب شرقی ایسلند، به ویژه در دو منطقه آتشفشانی «واتناولدُر» (Vatnaöldur) و «رتارا» (Retará) مطابقت دارد. تاریخ‌گذاری رادیوکربنی خاکسترهای ایسلندی نیز انفجاری در بازه ۵۴۱-۵۳۳ م. را

تأیید می‌کند. تقارن این شواهد با گزارش‌های تاریخی از تاریکی و قحطی، نشان می‌دهد یک فوران بزرگ ایسلندی، بدون حضور انسان ایسلند جزیره خالی از سکنه بود که وایکینگ‌های نورس (نروژی) در دهه ۸۶۹ میلادی آن را کشف کردند (۴). ریشه این بحران جهانی بوده است (۵).

همزمان با این بحران طبیعی در اروپا و بخش‌هایی از غرب خاورمیانه، آناتولی و شمال آفریقا، دولت بیزانس در قدرت بود. با مرگ تئودوسیوس یکم در ۳۹۵ میلادی، امپراتوری روم به دو بخش تقسیم شد و بخش شرقی (بیزانس) به آرکادیوس (حک ۳۹۵-۴۰۸ م.) رسید (۶). این امپراتوری که در اوج خود یونان، بالکان، آسیای صغیر، مصر و بخش‌هایی از ایتالیا را دربرمی‌گرفت، در سده‌های بعد با فتوحات اعراب (سده هفتم میلادی)، ترکان و عثمانی‌ها (سده پانزدهم میلادی) به محدوده قسطنطنیه و تنگه‌های بسفر و داردانل تقلیل یافت (۷-۸). موقعیت استراتژیک قسطنطنیه به عنوان پل اروپا و آسیا، حیات هزار ساله بیزانس را ممکن ساخته بود (۶).

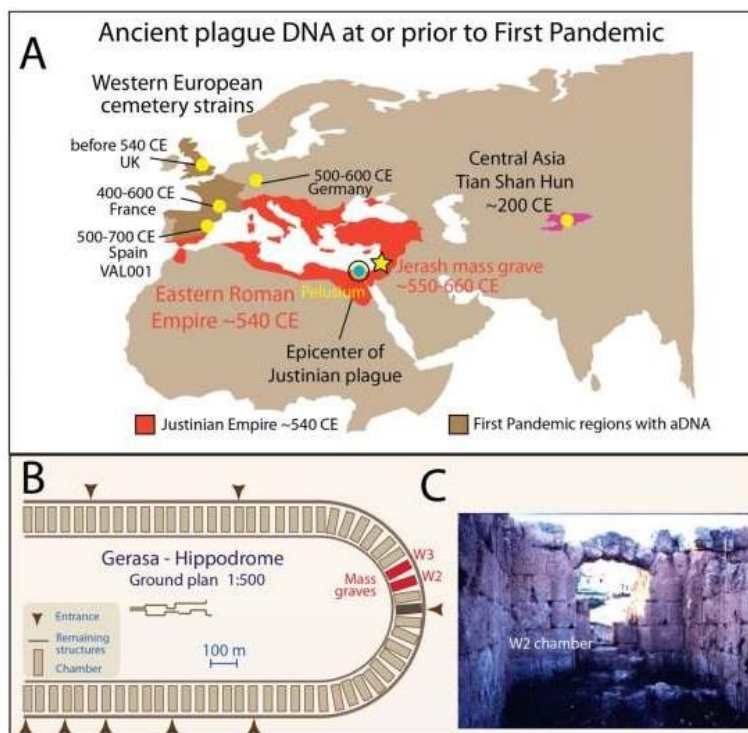
با این حال، طاعون ژوستینیان (۵۴۱-۵۴۲ م.) نقطه عطفی ویرانگر در جغرافیای بیزانس بود. این طاعون ناشی از باکتری *Yersinia pestis* عمدتاً از طریق شپش‌های جونده‌ها به ویژه شپش موش (*Xenopsylla cheopis*) به انسان منتقل می‌شد. شرایط محیطی غیر عادی، مانند سرمای شدید و تغییرات ناگهانی اقلیمی، سبب تغییر زیست‌بوم این جونده‌ها و تعامل آن‌ها با انسان در آن دوره شد. برای نمونه، سرمای فراموش‌نشده‌ی سال ۵۳۶ میلادی سبب گشت که جونده‌های حامل بیماری به سمت مناطق مسکونی جهت دسترسی به گرما و منابع غذایی سوق داده شوند. همزمان تعادل اکولوژیکی برهم زده شد و تراکم جمعیت جونده‌ها (و در نتیجه شپش‌های آلوده) در محدوده‌های انسانی افزایش یافت (۲، ۹).

به گزارش پروکوپیوس قیصریه‌ای (Procopius) (۵۵۴-۵۰۰ م.) تاریخ‌نگار و حقوقدان بیزانسی، این اپیدمی که در سال ۵۴۱ میلادی از شهر بندری پلوزیوم در مصر آغاز شد، به احتمال زیاد از طریق کشتی‌های حامل غله به قسطنطنیه رسید و این کلان‌شهر باستانی را فلج کرد و سپس از پایتخت

دسته‌جمعی، نیز مقیاس بزرگ مرگ و میر را تأیید می‌کنند، اگرچه تعیین رقم دقیق همچنان دشوار است (۱۴-۱۵). یافته‌های ژنتیک باستان‌شناسی نشان می‌دهند عامل بیماری طاعون ژوستینیان، باکتری *Yersinia pestis* بوده است. تحلیل‌های DNA باستانی از بقایای انسانی در آلمان و دیگر مناطق، فرضیه پیشین منشأ آفریقایی را رد کرده و خاستگاه آسیایی این پاتوژن را تأیید می‌کند (۱۱). این مطالعات منشأ طاعون ژوستینیان (یرسینیا پستیس) را آسیای مرکزی در کوهستان‌های تیان شان (مرز قرقیزستان، قزاقستان و چین) می‌دانند (۱۶). همچنین، پایه‌ای‌ترین سویه‌های مدرن این باکتری در چینگهای چین شناسایی شده‌اند (۱۷). این یافته‌ها تأیید می‌کند که طاعون از طریق شبکه‌های تجاری جاده ابریشم به بیزانس رسیده و جهان باستان را دگرگون کرده است (تصویر ۱).

و دیگر بنادر مهم، از مسیرهای زمینی و دریایی به سراسر مدیترانه، آناتولی، بین‌النهرین، سوریه و حتی مناطق دورتر مانند شمال اروپا (مانند باواریا در آلمان) گسترش یافت (۱۲-۱۰). این گسترش با الگوی حرکت موش‌های سیاه و کک‌های آلوده همراه با انتقال کالاهای تجاری و نیروهای نظامی همخوانی داشت. تخمین تلفات طاعون ژوستینیان بین اغراق‌روایی منابع تاریخی و داده‌های علمی مدرن در نوسان است. منابع معاصر مانند پروکوپئوس از مرگ روزانه ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر در قسطنطنیه و تلفات کلی ۲۵ تا ۵۰ میلیون نفر (معادل ۱۳ تا ۲۶ درصد جمعیت جهان آن زمان) گزارش می‌دهند (۱۰، ۱۳).

با این حال، مورخان مدرن در مطالعات سیستماتیک برآورد نمودند که این پاندمی در موج اولیه خود باعث کاهش شدید جمعیت در محدوده ۲۵ تا ۵۰ درصد در مناطق شدیداً آلوده شد (۱۳-۱۴). یافته‌های باستان‌شناسی، مانند گورهای



تصویر ۱: نقشه شیوع بیماری و محل گور دسته‌جمعی جرش در اولین همه‌گیری

اولین همه‌گیری) مشخص شده‌اند. محل شیوع با یک ستاره مشخص شده است. امپراتوری روم شرقی (که با قرمز تیره

توضیحات تصویر ۱: (A). مناطقی از DNA که قبل یا در زمان اولین همه‌گیری جدا شده‌اند، با قهوه‌ای تیره (در اطراف

۳. سؤال تاریخی: این که چرا مرگ و میر طاعون، ساختار سیاسی - اقتصادی امپراتوری بیزانس را دگرگون کرد و به‌عنوان یک عامل تاریخی مستمر، گذار به قرون وسطی را شتاب بخشید؟»

### روش

در این پژوهش که با رویکردی تاریخی - تحلیلی و تلفیق شیوه‌های کرونولوژی، تاریخ محیطی و تاریخ اجتماعی بیماری انجام شده، از منابع کتابخانه‌ای دست اول و یافته‌های جدید بین‌رشته‌ای (فارسی و انگلیسی)، از جمله داده‌های ژنتیک باستان‌شناسی (*Yersinia pestis*)، زمین‌شناسی (هسته‌های یخی ایسلند) و باستان‌شناسی (گورهای دسته‌جمعی)، استفاده شده است. داده‌ها با روش فیش‌برداری نظام‌مند جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند.

### یافته‌ها

۱. ژوستی‌نین یکم یا یوستی‌نیانوس یکم (حکومت ۵۶۵-۵۲۷ م): ژوستی‌نین یکم، مشهور به «امپراتور بی‌خواب»، جاه‌طلبی بی‌نظیری برای احیای امپراتوری روم داشت و با حمایت همسرش تئودورا و فرماندهانی چون بیلیزاریوس و نارسس، موفق به بازپس‌گیری بخش‌هایی از غرب شد (۶، ۱۹). تدوین «قانون مدنی ژوستی‌نین» (۵۳۴-۵۲۹ م) که بعدها پایه حقوق مدرن اروپا شد و همچنین ساخت کلیسای باشکوه ایاصوفیه از مهم‌ترین دستاوردهای او به شمار می‌روند (۲۱-۲۰). با این حال، دوران سلطنت وی با فاجعه‌بارترین همه‌گیری تاریخ بیزانس یعنی طاعون ژوستی‌نین در سال ۵۴۱ م. مصادف شد (۱۰، ۲۲). این طاعون ویرانگر جمعیت و زیرساخت اقتصادی امپراتوری را به شدت تحلیل برد و نقش مهمی در تضعیف آرزوهای احیای امپراتوری ژوستی‌نین ایفا کرد (۱۳، ۲۳).

۲. ژوستن دوم (۵۷۸-۵۶۵ م): تداوم امواج محدود: در دوران حکومت ژوستن دوم (۵۷۸-۵۶۵ م)، طاعون ژوستی‌نین به صورت موج‌های پراکنده و محدودتر نسبت به قرن ششم میلادی ادامه داشت. در این ۱۳ سال، تنها دو موج محلی ثبت

نشان داده شده است) از نظر تاریخی شیوع طاعون از شمال مصر و خاور نزدیک از طریق مناطق مدیترانه را ثبت کرده است. نقاط زرد در مناطق قهوه‌ای تیره نشان‌دهنده شواهد ژنتیکی موجود فعلی *Y. pestis* است که از گورستان‌های اروپای غربی کشف شده است. فرض بر این است که سویه تیان‌شان‌هون (نقطه زرد) در آسیای مرکزی/ غربی یکی از سویه‌های اولیه موجود قبل از شروع طاعون ژوستی‌نین باشد. (B). نقشه زمین هیپودروم جرش (گراسا). شماتیک نقشه زمین بر اساس تصویر آنتون استراسز دوباره ترسیم شد. گورهای دسته‌جمعی در اتاق‌های متروکه هیپودروم رومی W2 و W3 کشف شدند. (C). یکی از اتاق‌ها (W2) که اجساد در آن کشف شدند (۱۸).

مقالات متعددی به زبان انگلیسی درباره طاعون ژوستی‌نین منتشر شده که رُخساره‌های ژنتیکی، محیطی و اجتماعی آن را بررسی نموده‌اند، اما در فضای فارسی‌زبان، این موضوع تنها در قالب اشاره‌های کلی، مانند ترجمه آثار ویل دورانت (تاریخ تمدن، ج ۴) و دولاندلن (تاریخ جهانی)، یا دو اشاره مختصر احمد فضلی‌نژاد در کتاب «گسترش جهانی مرگ سیاه در اواخر سده‌های میانه» (انتشارات دانشگاه شیراز) و مقاله «همه‌گیری‌های طاعون در مدیترانه شرقی و بازتاب آن در تاریخ‌نگاری و مباحث فکری مسلمانان در اوایل دوره اسلامی» در نشریه فلسفه علم مطرح شده است. «طاعون‌زدگی شام در تمدن اسلامی» اثر زینب کریمی و همکاران، بیشتر بر طاعون‌های پس از اسلام، به ویژه طاعون عمواس (۱۸ ه.ق.) در جهان اسلام متمرکزند و با طاعون ژوستی‌نین (قرن ششم - هشتم میلادی) اشاره‌ای ندارند. در تقابل با این پیشینه‌ها، نوآوری پژوهش حاضر در سه سطح است:

۱. زمانی: اولین پژوهش فارسی‌زبان که کل دوره ۲۱۰ ساله شیوع (۷۵۱-۵۴۱ م)، تمام امواج بیماری را به صورت کرونولوژیک و تحلیلی پوشش می‌دهد؛

۲. متدولوژیک: ادغام داده‌های ژنتیک باستان‌شناختی و شواهد زمین‌شناسی، و تحلیل ذهنیت‌های اجتماعی - دینی بیزانسی‌ها، رویکردی بین‌رشته‌ای که در پژوهش‌های فارسی‌زبان پیشین دیده نشده است؛

نظامی شدید و نه با یک اپیدمی فعال طاعون، مشخص می‌شود. منابع موجود حاکی از آن است که طاعون ژوستی‌نین در این زمان به صورت یک همه‌گیری گسترده و ویرانگر ظاهر نشده بود، بلکه احتمالاً به صورت موارد پراکنده و محلی در برخی مناطق دورافتاده مانند مصر یا سوریه وجود داشت، اما این موارد تأثیر قابل توجهی بر مراکز قدرت نداشتند (۲۵).

با این حال، آثار بلندمدت و تجمعی طاعون در دهه‌های گذشته - شامل کاهش شدید جمعیت، تضعیف ساختار اقتصادی و تحلیل منابع انسانی - به طور غیر مستقیم زمینه‌ساز بی‌ثباتی عمیق در امپراتوری بیزانس در این دوره شد. این ضعف ساختاری، توانایی دولت فوکاس را در مقابله همزمان با تهدیدات خارجی و داخلی به شدت محدود کرد (۲۳). مهم‌ترین بحران خارجی، تهاجم گسترده خسرو پرویز ساسانی بود که از سال ۶۰۳ میلادی آغاز شد و با بهانه قرار دادن قتل امپراتور پیشین موریس - که متحد و حامی پیشین خسرو پرویز بود - جنگی تمام‌عیار را به بیزانس تحمیل کرد (۲۶). سپاه ساسانی به سرعت شهرهای مرزی مهمی مانند دارا، الرها و آمیدا را تصرف کرد و تا قلب سوریه پیشروی نمود (۲۶).

در کنار این تهدید خارجی، فوکاس با شورش‌های داخلی متعددی نیز رو به رو بود، از جمله شورش‌هایی در شمال آفریقا که منجر به از دست دادن کنترل مصر در سال ۶۰۹ میلادی شد (۲۶). ناتوانی فوکاس در مدیریت این بحران‌های چندگانه، نارضایتی گسترده‌ای ایجاد کرد و در نهایت به شورش منجر شد که در سال ۶۱۰ میلادی با حمله ناوگان هرակلیوس از شمال آفریقا به قسطنطنیه، حکومت وی سرنگون و خودش اعدام شد (۲۶).

بنابراین، اگرچه طاعون به صورت مستقیم در دوره کوتاه حکومت فوکاس یک فاجعه بهداشتی فعال نبود، اما پیامدهای جمعیتی و اقتصادی آن در طول قرن گذشته، بنیه امپراتوری را چنان تحلیل برده بود که مقاومت در برابر این طوفان سیاسی و نظامی را برای حکومت مرکزی بسیار دشوار ساخته بود (۲۳).

شده است (۱۴). از شیوع‌های ثبت‌شده می‌توان به سال ۵۷۱ میلادی اشاره کرد که گزارش‌هایی از طاعون در انطاکیه و سوریه شمالی وجود داشت و احتمالاً با تحركات نظامی در جنگ با ساسانیان مرتبط بود (۱۴). در ۵۷۳ م، شکست بیزانس در برابر ساسانیان و از دست دادن شهر دارا ممکن است با تأثیرات غیر مستقیم طاعون در تضعیف نیروی انسانی و نظامی مرتبط باشد (۲۴). در ۵۷۴ م، مواردی از بیماری در قسطنطنیه گزارش شد، اما به اندازه موج‌های قرن ششم میلادی کشنده نبود (۲۵). نرخ مرگ و میر در این دوره به ۲۰-۱۵٪ کاهش یافته بود (در مقایسه با ۵۰-۴۰٪ در اوج همه‌گیری) و بیماری عمدتاً در مناطق شهری و مراکز تجاری شایع می‌شد (۱۴). طاعون ژوستی‌نین در عصر ژوستن دوم به حیات خود ادامه داد، اما دیگر یک بحران سراسری نبود. با این حال، پیامدهای بلندمدت آن (کاهش جمعیت و منابع) به همراه سیاست‌های ناموفق ژوستن دوم، امپراتوری را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار داد (۲۳).

۳. تیبریوس دوم (۵۸۲-۵۷۸ م) و موریس (۶۰۲-۵۸۲ م): طاعون به مثابه تهدید حاشیه‌ای: با بررسی منابع تاریخی مشخص شد که در دوره‌های حکومت تیبریوس دوم (۵۸۲-۵۷۸ م) و موریس (۶۰۲-۵۸۲ م)، طاعون ژوستی‌نین دیگر به عنوان یک بحران سراسری و ویرانگر مطرح نبود، بلکه بیشتر به صورت موج‌های پراکنده و محدود گزارش شده است. در این دوره، منابع تاریخی تمرکز اصلی را بر جنگ‌های طولانی با ساسانیان، بحران‌های مالی و تهدیدات مرزی گذاشته‌اند و اشاره مستقیم و مفصلی به شیوع گسترده طاعون وجود ندارد (۱۴). با این حال، مواردی از شیوع این بیماری در رم و ناپل در سال ۵۸۸ میلادی ثبت شده‌اند، اما این وقایع تأثیر گسترده‌ای بر مراکز قدرت امپراتوری نگذاشتند (۲۵). به نظر می‌رسد پیامدهای بلندمدت کاهش جمعیت ناشی از موج‌های قبلی طاعون، همراه با فشارهای نظامی و مالی، به بی‌ثباتی ساختاری امپراتوری در این دوره کمک کرده باشد.

۴. فوکاس (۶۱۰-۶۰۲ م) و تشدید بحران‌های سیاسی: بر اساس اسناد تاریخی و تحلیل‌های ارائه‌شده در منابع، دوره حکومت فوکاس (۶۱۰-۶۰۲ م) عمدتاً با بحران‌های سیاسی و

تلفات انسانی و اختلال اقتصادی ناشی از این همه‌گیری‌های متناوب، بستر آسیب‌پذیری را فراهم آورد که سقوط سریع استان‌های شرقی امپراتوری در برابر فتوحات اعراب مسلمان از دهه ۶۳۰ میلادی به بعد را قابل‌درک‌تر می‌سازد (۱۴، ۲۳).

۶. کنستانس دوم (۶۵۸-۶۴۱ م.) و کنستانتین چهارم (۶۸۵-۶۶۸ م.): **افول تهدید همه‌گیر:** در دوره کنستانس دوم (۶۶۸-۶۴۱ م.) و کنستانتین چهارم (۶۸۵-۶۶۸ م.)، طاعون ژوستینیان دیگر یک بحران سراسری نبود و گزارش‌ها محدود به شیوع‌های پراکنده و محلی در مناطقی مانند سیسیل یا سوریه بود (۲۵). تهدید اصلی در این دوره، هجوم اعراب مسلمان بود که کنستانتین چهارم با موفقیت و با استفاده از سلاح آتش‌یونانی، محاصره قسطنطنیه (۶۷۸-۶۷۴ م.) را دفع کرد (۶، ۲۸).

۷. ژوستینیانوس دوم (۶۹۵-۶۸۵، ۷۱۱-۷۰۵ م.) تا لئون سوم (۷۴۱-۷۱۷ م.): **بازگشت موقت و آخرین امواج:** بر اساس منابع موجود و تحلیل‌های تاریخی، در دوران ژوستینیانوس دوم (حکومت: ۶۹۵-۶۸۵ و ۷۱۱-۷۰۵ م.)، طاعون ژوستینیان دیگر به عنوان یک بحران فعال و گسترده در مراکز اصلی امپراتوری مانند قسطنطنیه گزارش نشده است (۲۵). با این حال، پیامدهای بلندمدت آن - از جمله کاهش جمعیت، ضعف ساختاری و بحران‌های مالی - همچنان بر امپراتوری سایه افکنده بود. این دوره بیشتر با شورش‌های داخلی، بحران‌های سیاسی و تهدیدات خارجی (اعراب و بلغارها) شناخته می‌شود تا اپیدمی‌های فراگیر (۲۳).

پس از مرگ ژوستینیانوس دوم، دورانی از بی‌ثباتی گذرا آغاز شد تا اینکه لئون سوم (۷۴۱-۷۱۷ م.) با شکست محاصره قسطنطنیه توسط اعراب در ۷۱۷ میلادی، ثبات نسبی را بازگرداند، اما در اواخر حکومت او، یکی از آخرین موج‌های ثبت‌شده طاعون ژوستینیان در سال‌های ۷۴۱-۷۴۰ میلادی گزارش شده است (۱۴). این شیوع که گاه به عنوان «آخرین موج بزرگ» طاعون ژوستینیان در سرزمین‌های بیزانس توصیف می‌شود، با مرگ و میر بالایی همراه بود و حتی گفته می‌شود خانواده امپراتوری را نیز تحت تأثیر قرار داد (۱۴). این موج احتمالاً آخرین بازمانده چرخه همه‌گیری بود که از سال

۵. **هراکلیوس (۶۴۱-۶۱۰ م.) و طاعون در بحبوحه جنگ بقا:** در دوران احیای موقتی بیزانس توسط هراکلیوس (۶۴۱-۶۱۰ م.)، امپراتوری که تازه از جنگ‌های فرسایشی و فاجعه‌بار با ساسانیان جان به در برده بود، همچنان با موج‌های متناوب طاعون ژوستینیان دست‌به‌گریبان بود (۱۴).

این بیماری که از حدود سال ۵۴۱ میلادی ظهور کرد و به صورت دوره‌ای تا حدود ۷۵۰ میلادی ادامه یافت، در بحرانی‌ترین لحظات حکومت هراکلیوس نیز حضور داشت (۱۴-۱۳). بر اساس منابع تاریخی و پژوهش‌های علمی، شیوع‌های محلی طاعون در سال‌های ۶۱۸ میلادی در مناطق شامات و سوریه و سپس در سال ۶۲۶ میلادی در خود قسطنطنیه گزارش شده است (۱۴، ۲۵). این همه‌گیری‌های پراکنده درست در زمانی رخ داد که هراکلیوس پس از یک رشته لشکرکشی‌های سخت و پرهزینه برای بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست‌رفته از ساسانیان و نجات صلیب مقدس، در تلاش برای ترمیم ساختارهای فروپاشیده امپراتوری بود (۶، ۲۶).

طاعون با کاهش بیشتر نیروی انسانی و تحمیل بار اقتصادی مضاعف، بازبایی و تجدید قوای امپراتوری را به شدت دشوار می‌ساخت. جمعیت که پیش‌تر در موج‌های اولیه طاعون تا حد زیادی کاهش یافته بود، با هر شیوع جدید ضعیف‌تر می‌شد (۱۳، ۲۳). این کاهش جمعیت مستقیماً بر توان مالیاتی دولت و ظرفیت سربازگیری ارتش تأثیر می‌گذاشت. در شرایطی که هراکلیوس برای مقابله با تهاجمات آوارها در بالکان و تهدید بلندمدت اعراب مسلمان در مرزهای جنوبی به سربازان و منابع مالی نیاز مبرمی داشت، طاعون این منابع حیاتی را تحلیل می‌برد (۶، ۲۷). گزارش‌های معاصرمانند یوحنا افسوسی و پروکوپئوس از مرگ‌ومیرهای بالا در شهرها حکایت دارند، اگرچه شدت آن در مقایسه با موج اول قرن ششم میلادی کمتر بود (۲۲، ۲۵). در واقع، طاعون در این دوره اگرچه دیگر یک فاجعه سراسری با تلفاتی در حد ۲۵ تا ۵۰ میلیون نفر نبود (۱۳)، اما به عنوان یک عامل تضعیف‌کننده مداوم، توانایی بیزانس برای تحکیم دستاوردهای هراکلیوس و مقاومت در برابر بحران‌های بعدی را به شدت محدود کرد.

۵۴۱ میلادی آغاز شده و به تدریج در طول دو قرن فروکش کرده بود.

۸. کنستانتین پنجم (۷۷۵-۷۴۱ م.): پایان یک پاندمی: بر اساس شواهد تاریخی ارائه‌شده، آخرین موج فعال طاعون ژوستی‌نین در دوران حکومت کنستانتین پنجم (۷۷۵-۷۴۱ م.) و در سال‌های ۷۴۷-۷۴۸ میلادی در قسطنطنیه ثبت شد (۱۳). این شیوع که به عنوان واپسین موج گسترده این پاندمی دو قرنی در قلمرو بیزانس شناخته می‌شود (۱۳)، به تدریج رو به افول نهاد و دورانی که با همه‌گیری فاجعه‌بار سال ۵۴۱ میلادی آغاز شده بود، در میانه قرن هشتم میلادی به پایان رسید. منابع تاریخی و تحلیلی نشان می‌دهند که پس از این تاریخ، طاعون ژوستی‌نین دیگر به عنوان یک بحران سراسری و تعیین‌کننده در امپراطوری بیزانس ظهور نکرد (۲۹).

#### بحث

۱. ژوستی‌نین یکم، بحران و فاجعه بنیادین: دولت ژوستی‌نین در مواجهه با طاعون، برای سازماندهی دفن دسته‌جمعی اجساد در گودال‌های بزرگ، تئودور را به عنوان مقام امپراتوری منصوب کرد. هر گودال دفن دسته‌جمعی می‌توانست حدود ۷۰۰۰۰ جسد را در خود جای دهد (۳۰). همچنین برای مهار تورم و کمبود نیروی کار، قوانین کنترل دستمزدها و قیمت‌ها را تصویب کرد (۳۱). در سطح جامعه، بحران معنوی ناشی از مرگ و میر گسترده، موجب گرایش به رهبانیت، توسل به شمایل‌های مقدس و افزایش ساخت کلیساها و صومعه‌ها شد (۱۳، ۳۲).

پروکوپیوس که شاهد زنده ماجرای شیوع طاعون ژوستی‌نین بوده، گزارش می‌دهد که در این دوران، طاعونی شیوع پیدا کرد که نزدیک بود تمام نژاد بشر به خاطر آن نابود شود و در اوج آن، روزانه ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر در پایتخت می‌مُردند (۱۲، ۲۲). وی در جای دیگر آورده است: «اکنون برخی از پزشکان که به دلیل عدم درک علائم، درمانده شده بودند، با این فرض که بیماری در ورم‌های خیارکی متمرکز است، تصمیم گرفتند اجساد مردگان را بررسی کنند. آنها با باز کردن

برخی از ورم‌ها، نوعی دمل عجیب یافتند که در درون آنها رشد کرده بود. در مورد زنانی که باردار بودند، اگر به این بیماری مبتلا می‌شدند، مرگ مطمئناً قابل پیش‌بینی بود. برخی از طریق سقط جنین می‌مُردند، اما برخی دیگر بلافاصله در زمان تولد با نوزادانی که به دنیا می‌آوردند، جان خود را از دست می‌دادند. در مواردی که ورم به اندازه غیر معمولی افزایش می‌یافت و ترشح چرک شروع می‌شد، اتفاق می‌افتاد که آنها از بیماری فرار می‌کردند و زنده می‌ماندند. اما در مواردی که ورم ظاهر قبلی خود را حفظ می‌کرد، مشکلاتی که من به آنها اشاره کردم، به وجود می‌آمد.» (۱۲) میکائیل سریانی نیز در کتابش از شیوع بیماری آورده است: «طاعون بی‌سابقه‌ای در پی آمد که در قسطنطنیه آغاز شد، جایی که روز اول ۵۰۰۰ نفر، روز بعد ۱۰۰۰۰ نفر، روز سوم ۱۵۰۰۰ نفر و روز چهارم ۱۸۰۰۰ نفر جان باختند - ارقامی که توسط حسابرسی که امپراتور در دروازه‌های شهر قرار داده بود، گزارش شده است. آنها تا ۳۰۰۰۰۰ نفر کشته را شمردند و سپس شمارش را رها کردند. این بیماری همه‌گیر ابتدا به طبقه فقیر جمعیت، سپس به بازرگانان و اشراف از جمله کاخ امپراتوری حمله کرد. مشکل با زخمی که در کف دست ایجاد می‌شد، آغاز شد و تا جایی پیش رفت که فرد مبتلا نمی‌توانست قدمی بردارد. پاها متورم شدند، سپس خیارک‌ها ترکیدند و چرک بیرون آمد. شهر شروع به بوی بد [از اجساد دفن نشده] کرد و بنابراین اجساد به دریا انداخته شدند، اما دوباره به سطح آب آمدند. امپراتور دستور داد که ۴۰ داهگان به افرادی که جسدی را از شهر بیرون می‌بردند، پرداخت شود، اما اغلب خود حمل‌کنندگان در خیابان می‌مُردند. علاوه بر این، حتی اتفاق می‌افتاد که کسی وارد خانه‌ای متروکه می‌شد و گنجینه‌های آن را برای سرقت جمع‌آوری می‌کرد، ولی در نهایت در راه خروج، در دم در می‌مُرد.» (۳)

کاهش شدید جمعیت (برآوردها ۳۰ تا ۶۰ درصد) منجر به کمبود بحرانی نیروی کار در بخش‌های کشاورزی و نظامی شد و درآمدهای مالیاتی امپراتوری را فروپاشید (۳۳). برای جبران این کمبود، ژوستی‌نین مجبور به استخدام مزدوران خارجی شد که هزینه‌های هنگفتی را تحمیل کرد و وابستگی نظامی

ایجاد نمود (۲۳).

۲. ژوستین دوم تا فوکاس: تشدید ضعف ساختاری: پیامدهای جمعیتی و اقتصادی طاعون، به یک ضعف ساختاری پایدار در امپراتوری تبدیل شد که در دوران جانشینان ژوستینیان (از ژوستین دوم تا فوکاس) آشکار گردید. کاهش مداوم جمعیت و منابع، بیزانس را در برابر تهدیدات خارجی مانند تهاجم لمباردها به ایتالیا (۵۶۸ م.) و جنگ‌های طولانی با ساسانیان آسیب‌پذیرتر کرد (۲۴، ۲۶). این ضعف در ناتوانی امپراتوران در جمع‌آوری مالیات و ارتش‌های کارآمد متجلی شد و به شورش‌های داخلی مانند سرنگونی موریس (۶۰۲ م.) دامن زد (۱۴، ۲۶).

اواگریوس اسخولاستیکوس (Evagrius Scholasticus)، تاریخ‌نگار سریانی - رومی سده ششم میلادی (۵۹۴-۵۳۶ م.) نویسنده کتاب «تاریخ کلیسایی در شش جلد، از سال ۴۸۱ تا ۵۹۴ میلادی» است. وی خودش شاهد بیماری بوده و حتی پنجاه‌و دو سالگی شیوع بیماری را در حدود سال ۵۹۳ میلادی در دوره امپراطوری موریس (۶۰۲-۵۸۲ م.) گزارش نموده است. اواگریوس منشاء بیماری را اتیوپی می‌داند و در مورد تجربه شخصی‌اش از بیماری آورده است: «در اینجا من نیز، با رعایت تناسب موضوع، چند واقعه شخصی را در این تاریخ ثبت می‌کنم: در آغاز این بلیت، هنگامی که هنوز دانش‌آموز بودم، دچار آنچه «بُوبو» (ورم کشاله ران یا زیربغل) خوانده می‌شد شدم؛ و در طی سال‌های پس از آن، با عود مکرر بیماری، چندین فرزند، همسر، بسیاری از خویشاوندان، و همچنین خدمتکاران خانگی و روستایی‌ام را از دست دادم - گویی هر دوره ایندیکشن سهمی از مصیبت‌هایم را توزیع می‌کرد و اینک، کمتر از دو سال پیش از اینکه این سطور را بنویسم - که حالا پنجاه‌و هشتمین سالگی‌ام را سپری می‌کنم - در چهارمین بازگشت طاعون به انطاکیه و در پایان چهارمین دوره علامت خود، دختر جوانم و پسر نوزادش را از دست دادم؛ همراه با کسانی که پیش از این درگذشته بودند.»

«این طاعون در واقع ترکیبی از بیماری‌ها بود: در برخی موارد از سر آغاز می‌شد، چشمان را خونی و چهره را متورم می‌ساخت، سپس به گلو سرایت می‌کرد و فرد را نابود می‌نمود.

در موارد دیگر، اسهال شدید رخ می‌داد. در برخی دیگر، بُوبوها شکل می‌گرفت و تبی خفت‌ناپذیر پس از آن می‌آمد که بیمار را ظرف دو یا سه روز به سرزمین بازگشت می‌برد - با این تفاوت که تا لحظه آخر، قدرت ذهنی و جسمی‌اش را حفظ می‌کرد. برخی دیگر در حالت هذیان درگذشتند و عده‌ای نیز در اثر شکافتن کاربُونکُل‌ها (زخم‌های زیرپوستی شدید) جان خود را از دست دادند. مواردی هم رخ داد که افرادی که یک یا دو بار آلوده شده و بهبود یافته بودند، در حمله سوم جان باختند.

طریق‌های انتقال بیماری متنوع و عجیب بود: عده‌ای تنها با زندگی در کنار بیمار فوت می‌کردند. برخی دیگر تنها با لمس بیمار ابتلا می‌یافتند، دیگران با ورود به اتاق بیمار و برخی با حضور در اماکن عمومی. عده‌ای که از شهرهای آلوده فرار کردند، خود سالم ماندند، اما بیماری را به شهرهای سالم بردند، اما برخی افراد با وجود معاشرت نزدیک با بیمار - حتی تماس با آن‌ها پس از مرگ - هرگز آلوده نشدند و جالب‌تر از همه، کسانی بودند که به دلیل از دست دادن تمام فرزندان و دوستان، به شدت تمایل به مرگ داشتند و عمداً خود را در معرض خطر قرار دادند؛ با این حال، هرگز مبتلا نشدند - گویی طاعون با آرزویشان مقاومت می‌کرد! (۳۴)

۳. هراکلیوس: طاعون در بحران حیات: دوران حکومت هراکلیوس (۶۱۰-۶۴۱ م.) با بحرانی حیاتی برای موجودیت بیزانس همراه بود، زمانی که ساسانیان بخش‌های وسیعی از شرق امپراتوری از جمله اورشلیم و مصر را تصرف کردند (۳۶-۳۵). گزارش‌هایی از شیوع مجدد طاعون در شام و آناتولی در سال‌های ۶۱۸ و ۶۲۶ میلادی وجود دارد (۲۶-۲۵). این شیوع‌ها که منابع انسانی باقیمانده را بیشتر تحلیل می‌برد، بازیابی قدرت و سازماندهی ضدمحمله قاطع هراکلیوس را دشوارتر و پرهزینه‌تر ساخت؛ آنچنانکه طبق گفته میکائیل سریانی در سال ۶۲۱ م.، از هفدهمین سال سلطنت هراکلیوس، سی و هفتمین سال سلطنت خسرو و ششمین سال نبوت محمد [ص]، بخشی از نیمکره خورشید ناپدید شد. این اتفاق از اکتبر تا ژوئن ادامه داشت و مردم معتقد بودند که کره خورشید دیگر هرگز کامل نخواهد شد. در این سال، جراب

نظم از بین رفته بود. خدمتکاران وفادار نبودند و پرستاران باقی‌مانده حاضر نبودند از بیماران مراقبت کنند... اجساد در همه‌جا افتاده بود. حتی در کلیسای حواریون نیز گورهای دسته‌جمعی حفر کردند و مردان شبانه اجساد را می‌بردند و روی هم می‌انداختند.» (۱۲)

با این حال، شواهد باستان‌شناسی و اسنادی مانند تداوم تولید و گردش سکه در شهرهایی مانند انطاکیه و عدم وقفه چشمگیر در اسناد اداری مصر (پاپیروس‌ها) از فروپاشی کامل سیستم اقتصادی حکایت ندارند. به نظر می‌رسد اقتصاد بیزانس پس از یک رکود اولیه، به فعالیت خود ادامه داده است. اثر بلندمدت احتمالی، تشدید نابرابری و تقویت موقعیت زمین‌داران بزرگ بوده است که می‌توانستند زمین‌های رهاسده را تصاحب کنند. البته در نقد روایت حداکثری منابع معاصر با بیماری مانند پروکوپیوس و یوحنای افسوسی از مرگ و میرهای بسیار بالا گزارش می‌دهند. برخی پژوهشگران جدید بر اساس شواهد غیر متنی مانند تداوم ضرب سکه، اسناد اداری و تحلیل‌های باستان‌شناسی جمعیتی، از «روایت حداکثری» که طاعون را عامل انفرادی فروپاشی می‌داند، انتقاد کرده‌اند (۳۹). آن‌ها استدلال می‌کنند که طاعون یک فاجعه بزرگ بود، اما جامعه بیزانس تاب‌آوری نسبی نشان داد و این بیماری در کنار عواملی مانند جنگ‌های طولانی، فشار مالیاتی و اختلافات مذهبی، به عنوان یک عامل تشدیدکننده عمل کرد.

**۷. تأثیرات اجتماعی - فرهنگی: شتاب به سوی قرون وسطی:**  
تجربه ویرانگر و غیر قابل توضیح طاعون، تأثیر عمیقی بر روان جمعی و باورهای مذهبی مردم گذاشت. برخی به بت‌پرستی روی آوردند، در حالی که برخی دیگر با شدت بیشتری به مسیحیت و شفاعت قدیسان پناه بردند (۴۰). دیونوسیوس آریوپاگی مشهور به دیونوسیوس مجعول (اواخر قرن پنجم تا اوایل قرن ششم میلادی)، فیلسوف نوافلاطونی، عارف و متکلم مسیحی، روایتی را از یوحنای افسوسی (۵۷۷-۵۰۷ م.) نقل می‌کند - مورخی که متن اصلی او از میان رفته است - و در تفسیری مبتنی بر جهان‌بینی مسیحی و با نگاهی مذهبی‌تر، بر رنج مردم عادی و تبیین الهیاتی آن متمرکز می‌شود. وی در

(بیماری پوستی) و طاعون در فلسطین شیوع یافت و ده‌ها هزار نفر جان باختند (۳۷).

**۴. نقش طاعون در برابر اعراب مسلمان: کاهش شدید و طولانی‌مدت جمعیت در سوریه، فلسطین و مصر - هسته‌های اقتصادی بیزانس - که تا حد زیادی ناشی از موج‌های مکرر طاعون بود (۲۵، ۲۹).** تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی این مناطق را تحلیل برد. این امر ممکن است همراه با عوامل دیگر مانند خستگی از جنگ و مالیات‌های سنگین، پذیرش نسبی حکومت جدید اعراب مسلمان را که در ابتدا مالیات‌های سبک‌تری تحمیل می‌کردند، تسهیل کرده باشد (۶، ۲۳). در واقع طاعون تنها عامل فتوحات سریع اعراب نبود، اما قطعاً به تضعیف ساختارهای دفاعی و انسجام اجتماعی مناطق مورد هجوم کمک کرد.

**۵. تأثیرات نظامی: کوچک‌شدن ارتش و وابستگی به مزدوران:**  
پایه سنتی ارتش بیزانس را کشاورزان - سربازان تشکیل می‌دادند. مرگ و میر گسترده ناشی از طاعون، این پایه انسانی را به شدت کاهش داد (۲۳). آگاتیاس (۵۹۴-۵۳۰ م.) شاعر و تاریخ‌نگار یونانی، از کاهش چشمگیر شمار سربازان خبر می‌دهد و اشاره می‌کند که ارتش از ۶۴۵۰۰۰ نفر به حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر تقلیل یافت (۳۸). این امر امپراتوری را ناچار به تکیه بیشتر بر مزدوران خارجی (بربرها) کرد که هم گران‌تر بودند و هم وفاداری کمتری داشتند. این تغییر، توان عملیاتی و امنیت بلندمدت امپراتوری را تحت تأثیر قرار داد.

**۶. تأثیرات اقتصادی: رکود موقت در برابر افق زمانی طولانی:**  
در مورد تأثیرات طاعون بر اقتصاد بیزانس باید گفت که این اتفاق در کوتاه‌مدت شوک عظیمی به اقتصاد وارد آورد. گزارش‌ها از رکود فعالیت‌ها، قحطی و تورم در قسطنطنیه و سایر مناطق حکایت می‌کنند (۷، ۳۳). پروکوپیوس از تأثیرات مخرب طاعون بر اقتصاد جامعه بیزانس چنین روایت کرده است: «در آن زمان غیر ممکن بود که کسی انسانی را در خیابان‌های قسطنطنیه ببیند... تمام تجارت از کار افتاده بود. همه صنعتگران کار خود را رها کردند... در خانه‌ها، زمانی که خوراک و شراب تمام می‌شد، ساکنان بی‌تفاوت می‌مُردند. برخی به دلیل وحشت، خود را در خانه حبس کردند... قانون و

باب شیوع طاعون می‌نویسد:

«طاعون از سرزمین مصیبت‌زده مصر آمد و به سرعت گسترش یافت... به گونه‌ای که در روستاها و شهرها، مردم در حال کار یا سفر به طور ناگهانی می‌مردند... دهقانان از ترس، از همسایگان خود فرار می‌کردند. حتی حیوانات اهلی نیز در کنار اجساد صاحبانشان می‌مردند... ما دیدیم که چگونه در خانه‌های بزرگ و قصرها، درها بسته شده و همه ساکنان مرده بودند و بوی تعفن از درز درها بیرون می‌آمد (از فصل ۱۰ با عنوان مرگ و میر و وحشت)». «بسیاری می‌گفتند: این آخر زمان است. مرگ آمده است. برخی برای توبه شتاب کردند، اما دیگران گفتند: بیایید بخوریم و بیاشامیم، زیرا فردا خواهیم مرد... کودکان والدین خود را رها کردند و والدین کودکانشان را. گاهی یک نفر زنده می‌ماند تا بر اجساد همه خانواده‌اش بگریزد، اما سپس او نیز می‌مرد و کسی نبود که او را دفن کند... حتی کلیساها نیز پر از اجساد شده بودند. زنگ‌های کلیسا مدام به صدا درمی‌آمدند، نه برای دعا، بلکه برای درخواست کمک برای دفن مردگان (از فصل ۲۴ با عنوان فروپاشی اخلاقی و بحران معنوی)». این بلا، مجازات گناهان ما بود... اما حتی در میان مجازات، رحمت خدا دیده می‌شد؛ زیرا مرگ سریع بود و رنج طولانی نمی‌کشیدند... ما شاهد بودیم که چگونه ثروتمند و فقیر در یک گور دسته‌جمعی کنار هم خوابیدند و ثروت هیچکس را نجات نداد (تفسیر الهیاتی یوحنا)» (۴۱). برخلاف برخی دیدگاه‌های مدرن که طاعون را عامل سقوط روم می‌دانند، یوحنا طاعون را پاکسازی الهی می‌داند که امپراتوری و امپراتور ژوستینیان از آن سربلند بیرون می‌آیند. او امپراتور را به عنوان قهرمانی نیکوکار و همدرد با مردم به تصویر می‌کشد که خود و خانواده‌اش نیز از طاعون در امان نماندند. این روایت، در تقابل مستقیم با روایت مخالف پروکوپئوس (در تاریخ سری) قرار دارد که ژوستینیان را خود یک «طاعون» برای امپراتوری می‌دانست (۳۹).

این بحران معنوی و جستجوی علل ماورایی برای مصیبت، زمینه را برای رشد رهبانیت و تمرکز بیشتر بر امور اخروی فراهم کرد. این تحولات فرهنگی، همراه با افول شهرنشینی در برخی مناطق و تغییر الگوهای اسکان، بیزانس و اروپا را هر چه

بیشتر به سمت جهان‌بینی و ساختارهای اجتماعی مسیحی سوق داد (۲۰).

در واقع ویژگی منحصر به فرد طاعون ژوستینیان، تداوم و بازگشت موج‌های آن طی دو قرن (حدود ۵۴۱ تا ۷۵۰ میلادی) بود (۱۴-۱۳). این بیماری یک شوک مقطعی نبود، بلکه فشاری مداوم و تجمعی بر پیکره جامعه وارد آورد. هر موج جدید، فرآیند بهبودی را مختل می‌کرد و اجازه بازیابی کامل را نمی‌داد. این افق زمانی طولانی، عمق اثرات این پاندمی را توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه طاعون به عنوان یک عامل تاریخی مستمر، سیر تحولات امپراتوری بیزانس و گذار به قرون وسطی را شکل داد.

#### نتیجه‌گیری

طاعون ژوستینیان (۷۵۰-۵۴۱ م.) به عنوان یکی از ویران‌کننده‌ترین پاندمی‌های تاریخ، امپراتوری بیزانس را در اوج قدرت ژوستینیان یکم (۵۶۵-۵۲۷ م.) مورد هجوم قرار داد و تأثیرات عمیقی بر سرنوشت این امپراتوری و همسایه آن، ساسانیان گذاشت. این بیماری که از مصر آغاز و از طریق شبکه‌های تجاری به قسطنطنیه رسید، نه تنها باعث مرگ میلیون‌ها نفر شد، بلکه ساختارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی بیزانس را دچار فروپاشی کرد. در حالی که ژوستینیان با برنامه‌های گسترده برای احیای امپراتوری روم مشغول بود، طاعون نیروی انسانی و اقتصادی لازم برای تحقق این آرمان‌ها را از بین برد. کاهش شدید جمعیت به حدود ۵۰ درصد در برخی مناطق، نظام مالیاتی را مختل کرد و توان دفاعی امپراتوری را در برابر تهدیدات خارجی مانند ساسانیان، آوارها، اسلاوها و اعراب مسلمان به شدت تضعیف نمود. موج‌های مکرر طاعون در طول دو قرن، هرگونه امکان بازیابی را از بین برد و بیزانس را به سمت دورانی از افول سوق داد. اگرچه امپراتوری توانست با اصلاحات سلسله‌هراکلیوسی و ایزوری تا حدی خود را بازسازی کند، اما هرگز به قدرت و شکوه دوران قبل از ژوستینیان بازنگشت. این طاعون نه تنها یک تراژدی انسانی بود، بلکه عاملی کلیدی در تحولات تاریخی سده‌های میانه محسوب می‌شود که نقش تعیین‌کننده‌ای در تضعیف

بیزانس ایفا کرد و زمینه را برای ظهور جهان جدید فراهم نمود. می‌توان چنین ادعا کرد که طاعون ژوستی‌نین آغازگر قرون وسطی نبوده، اما قطعاً شتاب‌دهنده آن بوده و اروپا را به ورطه قرون وسطی انداخته است.

لازم به ذکر است این مقاله از یک طرح پژوهشی با شماره ۴۰۴۱۴۸۹ با عنوان: «بررسی تاریخی و اجتماعی طاعون عمواس: تحلیل علل، پیامدها و تأثیرات آن بر جامعه اسلامی در قرن اول هجری»، تحت حمایت مادی بنیاد ملی علم ایران (INSF)، برگرفته شده است.

### تشکر و قدردانی

این تحقیق توسط بنیاد ملی علم ایران (INSF) تأمین مالی شده است (شماره اعتبار: ۴۰۴۱۴۸۹)

### سهم نویسندگان

سید روح‌الله نعمت‌اللهی: جمع‌آوری داده‌ها، نگارش اولیه متن.  
سیدعلیرضا گلشنی: طراحی ایده، مرور و بازبینی متن.  
حسین هژیریان: اصلاح متن، تجزیه و تحلیل داده‌ها.  
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

### بیانیه هوش مصنوعی

از هوش مصنوعی تنها در فرایند ترجمه ادبی چکیده مقاله استفاده شده است.

## References

1. Braudel F. The Mediterranean and the Mediterranean World in the Age of Philip II. U.S. State, California, Berkeley: University of California Press; 1995. Vol.1 p.25-27.
2. Gibbons A. Eruption made 536 'the worst year to be alive'. Science. 2018; 362(6416), 733-734.
3. Michael the Great. The Chronicle of Michael the Great. Translated Armenian by Bedrosian R. Long Branch: Sources of the Armenian Tradition Publisher; 2013. p.113.
4. Jakobsson S. The early kings of Norway, the issue of agnatic succession, and the settlement of Iceland. Viator - Medieval and Renaissance Studies. 2016; 47(3): 171-188.
5. Sigl M, Winstrup M, McConnell JR, Welten KC, Plunkett G, Ludlow F, et al. Timing and climate forcing of volcanic eruptions for the past 2,500 years. Nature. 2015; 523(7562): 543-549.
6. L'Andelyn Ch. World History: From Prehistory to the Sixteenth Century. Translated by Behmanesh A. Tehran: University of Tehran Press; 2003. Vol.1 p.322-328. [Persian].
7. Lucas H. The History of Civilization: From the Earliest Times to Our Century. Translated by Azarang A. Tehran: Kayhan Publishing Institute; 1987. Vol.1 p.334, 341. [Persian].
8. Malet A, Isaac J. History of the Middle Ages up to the Hundred Years' War. Translated by Hajir A. Tehran: Elmi & Donyaye Ketab Publications; 1983. Vol.4 p.43-56. [Persian].
9. Ben Ari T, Neerinx S, Gage KL, Kreppel K, Laudisoit A, Leirs H, et al. Plague and climate: Scales matter. PLoS Pathogens. 2011; 7(9): e1002160.
10. Rosen W. Justinian's Flea: Plague, Empire, and the Birth of Europe. United Kingdom, London: Viking Adult; 2007. p.3.
11. Wagner DM, Klunk J, Harbeck M, Devault A, Waglechner N, Sahl JW, et al. Yersinia pestis and the Plague of Justinian 541-543 AD: a genomic analysis. The Lancet Infectious Diseases. 2014; 14(4): 319-26.
12. Procopius of Caesarea. History of the Wars, Books I and II. Translated by Dewing HB. Loeb Classical Library 48. London: William Heinemann ; 1914. p. 451-467.
13. Little LK. Plague and the End of Antiquity: The Pandemic of 541-750. Cambridge: Cambridge University Press; 2007. p.12-112.
14. Stathakopoulos D. Famine and Pestilence in the Late Roman and Early Byzantine Empire: A Systematic Survey of Subsistence Crises and Epidemics. London: Routledge; 2004. p.295-375.
15. Harbeck M, Seifert L, Hänsch S, Wagner DM, Birdsell D, Parise KL, et al. Yersinia pestis DNA from Skeletal Remains from the 6th Century AD Reveals Insights into Justinianic Plague. PLOS Pathogens. 2013. 9(5): e1003349.
16. Damgaard PD, Marchi N, Rasmussen S, Peyrot M, Renaud G, Korneliusson T, et al. 137 ancient human genomes from across the Eurasian steppes. Nature. 2018. 557(7705): 369-374.
17. Morelli G, Song Y, Mazzoni CJ, Eppinger M, Roumagnac Ph, Wagner DM, et al. Yersinia pestis genome sequencing identifies patterns of global phylogenetic diversity. Nature Genetics. 2010; 42(12): 1140-1143.
18. Dutta S, Upadhyay A, Adapa SR, O'Corry-Crowe G, Tripathy S, Jiang RH. Ancient Origins and Global Diversity of Plague: Genomic Evidence for Deep Eurasian Reservoirs and Recurrent Emergence. Pathogens. 2025; 14(8): 797.
19. Bury JB. History of the Later Roman Empire, from the Death of Theodosius I to the Death of Justinian (A.D. 395 to A.D. 565). London: Macmillan; 1923. Vol.2 p.124-150.
20. Lemerle P. History of Byzantium. Translated by Etessamzadeh A. Tehran: Elmi Publications; 1950. p.60-100. [Persian].
21. Maskuni S. Roman Law. Baghdad: Shafiq Press; 1971. p.32-37. [Arabic].
22. Lotfy WM. Plague in Egypt: Disease biology, history and contemporary analysis: A minireview. J Adv Res. 2015; 6(4): 549-54.
23. Treadgold W. A History of the Byzantine State and Society. Redwood City: Stanford University Press; 1997. p.212- 337.
24. Frye RN. The History of Ancient Iran. translated by Masoud Rajabnia. Tehran: Elmi Farhangi Publications; 2009. p.524, 534. [Persian].
25. Horden P. Mediterranean Plague in the Age of Justinian. Cambridge: Cambridge University Press; 2005. p.134-142.
26. Frye RN. The Political History of Iran in the Sasanian Period, The Cambridge History of Iran: From

- the Seleucids to the Fall of the Sasanians. Translated by Anousheh H. Tehran: Amir Kabir Publications; 2008. Vol.3 p.261-268. [Persian].
27. Shaibani AH. General History of the Middle Ages. Qom: Roshanai Publications; 1935. Vol.2 p.148, 326-330. [Persian].
28. Pryor JH, Jeffreys EM. The Age of the Δρομῶν: The Byzantine Navy ca. 500-1204. Leiden: Brill Academic Publishers; 2006. p.26-32.
29. Retief FP, Cilliers L. The epidemic of Justinian (AD 542): A prelude to the Middle Ages. *Acta Theologica*. 2005; (7): 115-127.
30. Kulikowski M. Plague in Spanish Late Antiquity. In *Plague and the End of Antiquity: The Pandemic of 541-750*. Cambridge: Cambridge University Press; 2006. p.150-170.
31. Rosen W. Justinian's Flea: The First Great Plague and the End of the Roman Empire. New York: Penguin Books; 2007. p.272.
32. Harper K. The Fate of Rome. U.S. State, New Jersey, Princeton: Princeton University Press; 2018. p.279.
33. McCormick M. Origins of the European Economy: Communications and Commerce, A.D. 300-900. Cambridge: Cambridge University Press; 2001. p.178.
34. Evagrius S. Ecclesiastical History (A.D. 431-594), in Six Books. Translated by Walford E. London: Samuel Bagster and Sons; 1846. p. 223-226.
35. Daryae T. The Sasanian Empire. Translated by Bahari Kh. Tehran: Farzan-e Rouz Publications; 2013. p.36-39. [Persian].
36. Christensen A. Iran During the Sasanian Era. Translated by Yasami R. Tehran: Donyaye Ketab Publications; 1989. p.582-583. [Persian].
37. Michael the Syrian. The Syriac Chronicle of Michael Rabo (The Great) A Universal History from the Creation. Translation and Introduction by Moosa M. Teaneck: Beth Antioch Press; 2014. p.451.
38. Agathias. The Histories, trans. Joseph D. Frendo. New York: Walter de Gruyter & Co; 1975. p.148.
39. Mordechai L, Eisenberg M, Newfield TP, Izdebski A, Kay JE, Poinar H. The Justinianic Plague: An inconsequential pandemic? *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*. 2019; 116(51), 25546-25554.
40. Eisenberg M, Mordechai L. The Justinianic Plague: an interdisciplinary review. *Byzantine and Modern Greek Studies*. 2019; 43(2): 156-180.
41. Pseudo-Dionysius of Tel-Mahre. *Chronicle* (known also as the *Chronicle of Zuqnin*). United Kingdom: Liverpool University Press; 1996. p.74-87.